

## عملکرد پادشاهان بهمنی در گسترش فرهنگ و ادب ایرانی (با تاکید بر نقش مذهب تشیع)

نسرین عسگری<sup>۱</sup>

محمود سید<sup>۲</sup>

فیاض زاهد<sup>۳</sup>

### چکیده

بهمنیان، سلسله ای از پادشاهان مسلمان هند (۹۳۴-۷۴۸ق)، اولین حکومت مستقل مسلمان بودند که در جنوب هند مستقر شدند. بنیانگذار این سلسله علاء الدین حسن کانگو یا بهمن شاه (۷۴۸-۷۵۹ قمری) بود. هیجده تن از اعضاء این خاندان بر دکن حکومت می کردند، که پایتخت هشت تن از آنان حسن آباد گلبرگه بود و پایتخت ده تن دیگر از این سلاطین بهمنی، محمد آباد بیدر بود. حمایت بسیار پادشاهان این سلسله از ایرانیان و سادات عراق و مکه و مدینه موجب شد که گروه فراوانی از این مهاجران سرزمین دکن را بهترین پناهگاه خویش بدانند و به شکل انفرادی و گروهی به قلمرو بهمنیان مهاجرت کنند. پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از روش تحقیق تاریخی که مبتنی بر توصیف و تحلیل است، به این سوال پاسخ دهد که عملکرد پادشاهان بهمنی در گسترش فرهنگ و ادب ایرانی با تاکید بر نقش مهاجرین شیعه ایرانی به این منطقه چه بوده است و نیز به دنبال آن است که علل مهاجرت شیعیان به دربار بهمنیان را مورد بررسی قرار دهد؟ یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که شبه جزیره دکن با داشتن شرایط اقلیمی و موقعیت اقتصادی ویژه، همیشه جایی مناسب، برای مهاجرت بوده است. حمایت پادشاهان این سلسله از شیعیان مهاجری که از ایران و سرزمین های عربی به دکن هجرت می کردند سبب گسترش مذهب تشیع، گسترش مناسبات سیاسی و در نهایت بسط فرهنگ و ادب ایرانی و اوج زبان فارسی در دکن در دوره بهمنیان شد.

۱- دانشجوی دکتری گروه تاریخ و باستان شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران.

mnrh.asgari1376@gmail.com

۲- استادیار گروه تاریخ و باستان شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نوسنده مسئول).

mahmood.seyyed@yahoo.com

۳- استادیار گروه تاریخ و باستان شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

fayyaz.zaahed@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۷/۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۹/۹

### مقدمه

به نظر می‌رسد ریشه‌های تاریخی نفوذ و رواج تشیع در دکن را باید در مهاجرت‌هایی که پس از حمله مغول و تیمور به ایران که در فاصله سالهای ۲۱۹ تا ۲۵۶ میلادی مصادف با ۶۱۶ تا ۶۵۴ هجری قمری، انجام شد، جست‌وجو کرد، چرا که صدمات و آسیب‌های این حملات در دوره‌های بعدی و حتی با تشکیل دولت صفوی مرتفع نشد و باعث مهاجرت گروه‌های مختلفی اعم از علما، دانشمندان، تجار، هنرمندان و حتی بسیاری از مردم عادی شد. تعدادی از این مهاجرین در سرزمین جدید با توجه به توانایی‌ها و استعدادهای خود به مناصب و مقام‌هایی رسیدند. این افراد با حضور و عملکرد دیگر مهاجرین شیعه در مناصب مختلف، قدم مهمی در رشد تشیع در قلمرو بهمنیان برداشتند.

تشیع در جنوب هند عمر طولانی دارد که به زمان‌های قبل از تشکیل سلسله‌های شیعی در این منطقه مربوط می‌شود. شرایط اقلیمی مساعد دکن از گذشته عامل مثبت برای جلب توجه و جذب مهاجرین بوده است و شیعیان بسیاری از سرزمین‌های اسلامی بنا به دلایل گوناگون ترک وطن نموده و دکن را به عنوان مقصد خود انتخاب کردند. این مهاجرت‌ها رشد و آگاهی افکار شیعی را در مناطق مختلف دکن در پی داشت.

در این پژوهش بر آن هستیم تا چگونگی ورود مذهب تشیع به دکن و تأثیر این مذهب بر امور سیاسی، فرهنگی حکومت بهمنی را مورد بررسی قرار دهیم لذا در این راستا با استفاده از منابع موجود در این پژوهش به تبیین زمینه‌های ورود تشیع به قلمرو بهمنیان و تشکیل و سپس عوامل مهاجرت، نقش و تأثیر مهاجرین شیعه را در سیاست پادشاهان بهمنی تحلیل خواهیم کرد.

### بیان مساله

بهمنیان نخستین حکومت مستقل مسلمان در جنوب هند بودند که از سال ۷۴۸ تا ۹۳۴ هجری قمری بر این منطقه حکومت کردند. موسس این سلسله علاء الدین حسن کانگو یا بهمن شاه (۷۴۸-۷۵۹ قمری) بود. هیچ‌ده تن از اعضاء این خاندان بر دکن حکم می‌راندند که پایتخت هشت تن از آنان حسن آباد گلبرگه بود و پایتخت سلاطین دیگر این سلسله محمد آباد بیدر بود. تشکیل حکومت بهمنیان در دکن که از طرفی خود را از اعقاب پادشاهان ایران می‌دانستند و از طرف دیگر از همان روزهای نخست تشکیل حکومت خویش به حمایت بی‌دریغ از ایرانیان و سادات عراق و مکه و

## عکس پادشاهان بهمنی در کتورش فرهنگ و ادب ایرانی... ۵۵۱۱۱

مدینه پرداختند، باعث شد که گروه کثیری از این مهاجران سرزمین دکن را بهترین ملجأ و مأوی خویش بدانند و به صورت فردی و گروهی به قلمرو بهمنیان مهاجرت کنند. جز احمدشاه ولی (۸۲۵-۸۳۹ قمری) نهمین سلطان بهمنیان، دیگر پادشاهان این خاندان از سنیان حنفی مذهب بودند، اما در سرتاسر این دوره به حمایت بی دریغ از سادات و شیعیان پرداختند به همین سبب گروههای فراوانی از شیعیان از قشرهای مختلف، به انگیزه برخورداری از حمایتهای مادی و معنوی آنان، از ایران و عراق و دیگر سرزمین ها به دکن و دربار بهمنیان کوچیدند. مهاجران پس از ورود به دکن برای تمایز از بومیان آنجا " غریبان (غربا) یا غریب الدریار " نامیده شدند. این گروه عموماً شیعه و از سادات کربلا، نجف، گیلان و سیستان بودند. پرآوازه ترین دانشمند ایرانی دربار بهمنیان بازرگانی گیلانی، به نام عمادالدین محمود گاوان بود که به سال ۱۴۵۳/۸۷۵ و در روزگار پادشاهی احمد دوم به بیدر مهاجرت کرد و لقب ملک التجار گرفت. محمود گاوان تنها یک دیوانسالار عمل گرا نبود بلکه دانشمندی برجسته و نویسنده ایی توانمند به شمار می آمد. او همچنین مراکز آموزشی از جمله مدرسه بزرگی در بیدر تاسیس نمود که اساتید بزرگی در این مدارس تدریس می کردند. شخصیت برجسته ایرانی دیگر میر فضل الله اینجو از سادات شیعه بلند مرتبه شیراز بود که مسولیت آموزش شاهان بهمنی را برعهده گرفت. از بزرگترین مریبان و پرورش دهندگان آنان بود و مقام وزارت بهمنیان را هم پذیرفت. میر فضل الله، فاضلان، شاعران، ادیبان زیادی از جمله لطف الله سبزواری، حکیم حسن گیلانی، سید محمد کازرونی و خواجه بنده نواز گیسودراز رابه دربار بهمنیان دکن دعوت کرد. شکل گیری حکومت بهمنیان در جنوب هند باعث نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی در این منطقه گردید. آموزش، مکاتبات و زبان اداری سیاسی در دوره بهمنیان زبان فارسی بود. مدرسان به آموزش کتاب های گلستان و بوستان سعدی سخت عشق می ورزیدند. از میان سلاطین بهمنی فیروزشاه بهمنی گاه شعر می گفت. علت مهارت او در آن بود که نزد میر فضل الله اینجو شیرازی درس خوانده بود. همچنین مهاجرت شیعیان در قالب دیوانسالار، تجار و بازرگان و صنعتگر و معمار باعث نفوذ زمینه های فرهنگی هنری ایران در هند شد. مساله اصلی این پژوهش عملکرد شیعیان در دوره بهمنیان دکن و اینکه شیعیان مهاجر چه تاثیراتی بر فرهنگ و ادب سلسله بهمنیان داشتند. و همچنین نگارنده علاوه بر دستیابی به این مورد که علل و عوامل مهاجرت شیعیان به قلمرو بهمنیان چه بوده به نقش پادشاهان

این سلسله در گسترش تشیع و تاثیر آن بر فرهنگ و ادب خواهد پرداخت. و محدوده‌ی زمانی آن از آغاز تاسیس حکومت بهمنیان تا پایان آن را در بر می‌گیرد.

### سلاطین بهمنی و اقدامات آنان در گسترش فرهنگ و ادب ایرانی (زبان فارسی)

موسس حکومت بهمنیان، یعنی حسن کانگوی بهمن (۷۶۰-۷۴۸ ه.ق) حدود ۱۲ سال حکومت کرد و همه همت خود را صرف نبرد با مخالفان داخلی و دشمنان خارجی نمود. بعد از او ۱۷ نفر دیگر از این سلسله حکومت کردند که در اینجا به ذکر تاریخچه و اقدامات آنها در زمینه فرهنگ و ادب می‌پردازیم.

### حسن کانگوی بهمنی (۷۶۰-۷۴۸ ه.ق)

حسن بهمن شاه، افراد مهاجر از ایران و آسیای مرکزی را در ارتش استخدام کرد تا بتواند استقلال خویش را حفظ نماید. (معصومی، ۱۳۸۴، ۴۳) از زمان حسن بهمن شاه روابط علمی با ایران آغاز شده بود. و در دربار او چندین عالم؛ فاضل و شاعر ایرانی زندگی می‌کردند. مولانا لطف الله؛ ملا حکیم علیم الدین تبریزی. از جمله علمایی بودند که از ایران به دکن رفتند. با حمایت حسن از علماء نویسنده کتاب "فتوح السلاطین" یعنی عصامی مورخ و شاعر، از دربار محمد تغلق به دربار بهمن رفت. او تحت حمایت حسن شاه بهمنی تاریخ مبسوطی به شعر به سبک شاهنامه فردوسی سرود این تاریخ از زمان سلطان محمود غزنوی شروع و با حکومت بهمن شاه به پایان رسید. (عقیل، ۱۳۹۱، ۴۳-۳۳) پادشاه بهمنی به تصوف و صوفیان توجه ویژه ای داشت. او اعتقادی ویژه به شیخ سراج الدین جنیدی داشت. علاوه بر شیخ جنیدی صوفیان دیگر نیز در نزد علاءالدین بهمنی احترام خاصی داشتند. علاءالدین برای درگذشت محمد بن تعلق هدایایی ارزشمند به صوفیان از جمله شیخ عین الدین گنج العالم صوفی جنیدی، بیجاپوری مریدی و خلیفه خواند میر، سید علاءالدین جانپوری و مولانا معین الدین هروی اعطا کرد. (عالمی، ۱۳۹۳: ۱۰۵) و اساساً ارتباط وی با دوصوفی بزرگ شیخ ملوک بهمنی را شکل داد. این امر منجر به ظهور موقعیت ویژه صوفیان در دوره علاءالدین حسن و جانشینان پس از وی گردید. تمایلات سنی گرایانه صوفیان در دوره تاسیس و تثبیت و سپس حضور صوفیان و علمای شیعی مذهب در سال‌های پس از آن، روند تمایلات مذهبی را از تسنن به تشیع تغییر داد. (همان، ۲۳۴) به هر روی از جمله علمای برجسته آن دوره صدرالدین شریف سمرقندی بود، وی در نجوم و ریاضی و هندسه دارای مهارت و علم بود. و از این رو حسن کانگوی شاه بهمنی وی را به

## عکرد پادشاهان بهمنی در کترش فرهنگ و ادب ایرانی... ۵۷۱۱۱

منصب وزارت برگزید. از این گذشته پزشکان ایرانی در دربار حسن، دارای مقامی ویژه بودند. نصیرالدین شیرازی پزشک مشهور دربار حسن کانگویی بود که وی به تدریس طب در شهر گلبرگه (پابخت اول بهمنیان که به احسن آباد معروف است) اشتغال داشت. علیم الدین تبریزی نیز از جمله پزشکان معروف این دوره است. معین الدین هروی نیز یکی از فضلا بود که حسن وی را به عنوان مربی پسرش (محمد اول) انتخاب نمود. (معصومی، ۱۳۸۴: ۱۲۷) بهمن شاه به تعلیم و تربیت فرزندان خویش توجه ویژه ای داشت و کتاب بوستان سعدی جزو کتابهای درسی فرزندان وی بود و تدریس می شد. روزی کوچکترین فرزند خود را که محمود نام داشت. و همچنین نسبت به وی محبت زیادی روا می داشت. نزدیک خود نیافت و علت را جویا شد. و گفتند "در مکتب به خواندن مشغول است". سپس او را طلبیده و پرسید چه می خوانی؟ گفت بوستان شیخ مصلح الدین شیرازی (فرشته، ۱۳۰۱، ج ۱، ۲۹۴) همانگونه که گفتیم سلطان حسن بهمن شاه، با مردم با سخاوت رفتار می کرد و به زبان فارسی توجه داشت و به نوعی دوستدار علم بود و همین مسایل باعث می شد که افراد زیادی به دربار وی مهاجرت نمایند. در دوره سلطنت وی فعالیت های فرهنگی گسترده ای صورت پذیرفت. اما وی به عنوان موسس اولین حکومت مسلمان در دکن، سیاست جذب مسلمانان از سرزمین های مختلف اسلامی را آغاز کرد. وی فردی علم دوست و علاقمند به علماء، خاصه علمای مذهبی بود. همچنین علماء در جشن های سالانه حکومتی شرکت می کردند. (فرشته، ۱۳۰۱، ۲۷۸) اهمیت فعالیت علمی در دوره حسن بهمن شاه در رساله ای که سیف الدین غوری تحت عنوان نصایح الملوک به رشته تحریر در آورد. آشکار است. نگارش این رساله نشانگر فعالیت های علمی کارگزاران حکومتی است. سیف الدین غوری در این رساله علما و دانشمندان را ماه رونق حکومت و یکی از ارکان آن به شمار آورده است. همچنین وی ویژگی هایی را که یک سلطان باید داشته باشد مانند: "بردباری، هوشیاری، دوراندیشی، حسن سلوک و دین داری) نام برده و به سلطان توصیه می کند. از سپردن مناصب مهم حکومتی به افراد مجهول النسب خودداری کند و برای حفظ حکومت به دو گروه اهل سیف (که حافظ ملک و ناموس حکومتند) و اهل قلم (که مایه سرافرازی حکومتند) توجه کافی داشته باشد. (عالمی، ۱۳۹۳، ۲۵۴-۲۵۳)

سلطان محمد شاه دوم (۷۹۹-۷۸۰ ه. ق)

محمد دوم را باید به جد از پیشگامان گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی در منطقه دکن قلمداد نمود. سلطان محمد شاه دوم در دوره سلطنت خویش دست به اقداماتی در جهت ترویج این فرهنگ زد. با درگذشت شیخ سراج جنیدی، سلطنت محمد شاه دوم بهمنی دکن از حضور صوفیان برجسته محروم شد. سلطان محمد شاه دوم توجه خاص و ویژه ای نسبت به شیخ جنیدی داشت، وقتی که شیخ بیمار بود. سلطان به عیادت وی می رفت. پس از مرگ شیخ، وی همچنان به زیارت مقبره وی می رفت. زمان سلطنت محمد شاه ما شاهد نوعی آرامش در قلمرو هستیم. لذا همیشه موضوع باعث می شد که تا فرصت انجام فعالیت های علمی در دوره وی گسترش و فراهم آید. و برای این منظور در شهرهای متعددی در قلمرو خویش مانند گلبرگه، بیدر، ایلچپور، دولت آباد، چاول، دابل مرکزی برای تعلیم و تربیت مردم بویژه تهی دستان مدرسه بنا کرد. و برای پرداخت مخارج آن از هزینه خراج مقرری تعیین کرد. (فرشته، ۱۳۰۱: ۳۰۲-۳۰۱) او با برگزیدن مجدد ملک سیف غوری به منصب وزارت و میرفضل الله اینجوی شیرازی به منصب صدارت دوره جدیدی را در حیات فرهنگی دکن آغاز نمود. که تا پایان حکومت بهمنی ادامه دار بود. (معصومی، ۱۳۸۷: ۴۹-۴۸) رعایای کشور محمد شاه دوم را ارسطو می نامیدند. چون پادشاهی عالم، دانش پرور و دوستدار علم بود. وی به علماء ارج می نهاد. او شریعت را مدار حکومت خود قرار داد و کمالات علمی اش بیشتر از پادشاهان گذشته بود. (عقیل، ۱۳۹۱: ۳۰-۲۹) وی در خوشنویسی مهارت داشت و قرآن را به خط خویش به نگارش در آورد. (عالمی، ۱۳۹۳: ۲۵۵)

وی همچنین به مجالست با صوفیان نیز رغبت داشت و همانگونه که گفتیم رابطه نزدیکی با صوفی معروف شیخ سراج الدین جنیدی برقرار کرد. (معصومی، ۱۳۸۴: ۴۹) در دوره وی، شعرا و علمای متعددی از سرزمین های اسلامی به دکن مهاجرت کردند. در دوره محمد شاه، حمایت از زبان و ادب فارسی و دعوت از شعرای بزرگ ایرانی رواج بیشتری یافت. محمد که مردی صلح طلب و فرهنگ دوست بود. با استفاده از آرامشی که در دکن بوجود آمده بود خدمات فراوانی برای گسترش ادبیات فارسی انجام داد و گاهی خود با توجه به علاقه ای که به شعر داشت شعر می سرود. (معصومی، ۱۳۸۱: ۱۴۵)

با حمایت وزیر ایرانی دربار سلطان محمد، میرفضل الله اینجو شیرازی، دانشمندان زیادی از ایران به دربار سلطان و جانشینانش دعوت شدند. میرفضل الله اینجو همانی است که از شیراز به دکن رفت و

## عکرد پادشاهان بهمنی در گسترش فرهنگ و ادب ایرانی... ۵۹۱۱۱

یک هزار تنگ طلا در مقابل اشعار خویش دریافت کرده بود. مهاجرت افراد برجسته دکن و دریافت کمک های مالی از سوی ملوک بهمنی، علماء را تشویق به مهاجرت نمود. (فرشته، ۱۳۰۱: ۳۰۲) اینجو، شاعر مشهور فارسی زبان، خواجه حافظ شیرازی (متوفی ۵۷۹۲/ق/۱۳۹۰ م.) را برای ورود به دربار بهمنیان ترغیب نمود. (ضابط، ۱۳۷۷: ۹۱) و برای همین منظور به میرفضل الله با آگاهی یافتن این موضوع با فرستادن مقادیری پول و هدایا از وی دعوت نمود. حافظ شیرازی مبالغ مذکور را میان فقرا و تهیدستان تقسیم نمود. سپس همراه دوتن از تاجران به نام های خواجه زین العابدین همدانی و خواجه محمود گازرونی، از شیراز به هرمز رفت. زمانی که حافظ با کشتی وارد دریا شد. دریا متلاطم و موج شد. در نتیجه حافظ از کارش منصرف گشت اما ایباتی را نگاشت و به میر فضل الله اینجو فرستاد تا احساس خویش را از منصرف شدنش بازگو نماید. محمد شاه غزل خواجه حافظ را دریافت نموده و ملا محمد قاسم مشهدی یکی از فضلای آن دوره، دستور داد. انواع کالاهای هندی را به نزد خواجه حافظ شیرازی گسیل دارد. (فرشته، ۱۳۰۱: ۳۰۲)

میرفضل الله اینجو از فاضلان و ادیبان زیادی از جمله لطف الله سبزواری، حکیم حسن گیلانی گازرونی، و شرف الدین علی یزدی و خواجه بنده نواز دعوت به عمل آورد. (سیاوش یاری، ۱۳۸۸: ۱۲۳) فضل الله اینجو از بزرگترین مربیان و تعلیم دهندگان شاهزادگان بهمنی به شمار می آمد. (فراهانی منفرد، ۱۳۸۲: ۱۳۴) محمد شاه در تربیت جانشینان خویش (فیروزخان، احمدخان) تلاش کرد. و به همین منظور وی میرفضل الله اینجو شیرازی و ملا سعید تفتازانی را بر این امر گمارد. و در آموزش تیراندازی، چوگان، خواندن و نوشتن به آنان توجه کافی نمود. (فرشته، ۱۳۰۱: ۳۰۵) نکته حایز اهمیت دیگر در مورد دوره سلطنت محمد دوم، اینکه مدارس و مکاتبی در شهرهای مختلف ایجاد شدند. که در گسترش زبان فارسی در سراسر دکن تاثیر فراوان داشتند. زبان آموزش و متون آموزشی در این مراکز فارسی بود و علاوه بر فرزندان امراء و بزرگان، افراد فقیر و یتیمان نیز در این مکاتب به آموزش اشتغال داشتند. و در نتیجه زبان فارسی، به این وسیله در میان توده مردم نیز راه یافت. (معصومی، ۱۳۸۷: ۱۴۶) به هر روی از دوره محمد شاه تا زمان برتخت نشستن فیروزشاه، تاثیرات فرهنگی هند همچنان ادامه داشت. اما با افزایش تعداد مهاجران مسلمان بویژه شعرا و ادبا و صوفیان و همچنین هنرمندان و تاجران از ایران و عراق و دیگر سرزمین های اسلامی، به تدریج از تاثیرات فرهنگی شمال هند کاسته شد. سالانه کشتی هایی از بنادر گوا، دابل و چاول برای انتقال

۱۱۶۰ // دو فصلنامه مطالعات تمدنی / سال هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ شماره پنجاه و پنجم

علماء از سرزمین های مختلف اسلامی به دکن فعالیت می کردند. (فرشته، ۱۳۰۱: ۳۰۸) غیاث الدین بن سلطان محمود بهمنی، و شمس الدین بن محمد شاه، به دلیل کوتاهی سلطنت و مشکلات داخلی نتوانستند در توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی نقش آفرین باشند.

### احمد شاه اول (۸۳۸-۸۲۵ ه.ق)

حکومت احمدشاه ولی بهمنی سرآغاز جدیدی برای تمایلات شیعی از سوی سلاطین بهمنی به شمار می رفت. وی در محلی به نام خانان پور زندگی کرد که اگر به سلطنت برسد آن مکان را رسول آباد نامگذاری کند و آنجا را وقف سادات مکه، مدینه، کربلا و نجف نماید. (فرشته، ۱۳۰۱: ۳۱۷) احمدشاه در صدد تجربه سلطنت در محیطی جدید و با تمایلات و اندیشه های متفاوت بود. و از این روی بود که پس از مرگ گیسودراز به فرزندان وی وابسته نگردید و براساس تمایلات شیعی خویش، مبالغ بسیاری میان سادات کربلا توزیع کرد و با کسانی که به شیعه و سادات توهین می کردند به سختی مقابله می کرد. احمدشاه در حمایت از شیعیان و سادات تلاش می نمود. (فرشته، ۱۳۰۱: ۳۲۸) طباطبا می نویسد: "احترام احمدشاه ولی بهمنی نسبت به سادات چنان بود که خود آب بر دست آنان می ریخت." این نکته را باید گفت که احمدشاه با کمک بازرگانی شیعه مذهب همچون خلف حسن بصری و دیگر غریبان و آفاقی ها (کوچندگان ایرانی و ترک در دکن) بر تخت شاهی بهمنیان در گلبرگه نشست. (عالمی، ۱۳۹۳: ۲۴۳) از نظر احمدشاه که در سال ۸۳۳ ه.ق تحت تاثیر اندیشه های گیسودراز به آیین تشیع متمایل گشت. (یاری، ۱۳۸۸: ۱۲۴) متعقد بود که معتقدات مذهبی امری فردی است. و از اینرو با هوشمندی از سختگیری درباره مذهب اتباع خویش خودداری کرد. (هالیستر، ۱۳۷۳: ۲۸) وی به حمایت بی دریغ از سادات و شیعیان پرداخت و به همین دلیل گروه فراوانی از شیعیان از اقشار مختلف برای برخورداری از حمایت مادی و معنوی بهمنیان از ایران و عراق و دیگر سرزمین ها راهی دکن و دربار بهمنیان شدند. در واقع پایه های تشیعی که بعدها در این منطقه بسیار رشد و نفوذ کرده و به صورت مذهب رسمی دکن در آمد. در این دوره نهاده شد. این نکته را باید گفت که بهمنیان از آغاز کار گرایش های شیعی داشتند هرچند بیشتر آنها رسماً سنی بودند. اما تسنن آنان رنگ اصول تفضیلیه (اعتقاد به تفضل علی (ع) و امامان بعد از وی نسبت به سه خلیفه راشدین) به خود گرفته بود. (عزیز احمد، ۱۳۶۶: ۲۸). احمدشاه علاقمند بود گلبرگه را که در دوره طولانی بمدت ۷۵ سال ملوک بهمنی در آنجا شرایط آمیخته با جنگ و اختلافات داخلی و خارجی را



## عکبر پادشاهان بهمنی در گسترش فرهنگ و ادب ایرانی... ۶۱۱۱۱

تجربه کرده بودند. رها کند. وی بدین منظور برای تسلط بر مناطق شمالی و حملات مستقیم سلاطین ویجانگر هندو همچنین رهایی از جو شاه کشی رایج در گلبرگه که در دوران مجاهد شاه، داوود شاه، شمس الدین شاه، غیاث الدین شاه و فیروز شاه اتفاق افتاده بود. تصمیم گرفت پایتخت را از گلبرگه به بیدر منتقل سازد. بنابراین وی در سال ۸۲۹ه.ق پایتخت را از گلبرگه به بیدر در شمال شرقی گلبرگه منتقل ساخت. (معصومی، ۱۳۸۱: ۵۶-۵۴)

### علاءالدین همایون بهمنی (۸۶۵-۸۶۲ ه.ق)

سلطان همایون شاه سلطنت خویش را با انجام یک سخنرانی که نشانگر افکار و اندیشه های وی درباره کشورداری است آغاز کرد. به استناد برهان مآثر، سلطان همایون در این سخنرانی چنین اظهار داشت: "معارض قهرمانی و ارتفاع جهان بهانی جز به تعیین وزیری که باتفاق الوالالباب امم و عقلای عرب و عجم اکفی الکفات باشد میسر نشود و تمهید قواعد فرمانروایی و کشورگشایی جز به تقلید مبشری که ظاهرش به حيله امانت و دیانت مزین و باطنش از شوایب ربا و عفونت مبرا و معرا باشد. دست ندهد. بنابراین نظام حل و عقد امور و قبض و بسط جمهور در کف کفایت و اختیار و قبضه درایت و اقتدار آصف جم آثار و دستور ارسطو اخبار سلطان الوزرا خواجه نجم الدین محمودبن گاوآن جیلانی که از اعظام مملکت به وفور معدلت و کمالت نصفت و تعمق انظار و تدقق افکار سرآمد است" (عالمی، ۱۳۹۳: ۱۹۱-۱۹۰) این دوره همایون شاه، دوره رونق و شکوفایی است، که همزمان با انتصاب محمود گاوآن به مقام وزارت است و از این رو همایون پس از اتمام سخنرانی، گاوآن را به مقام وزارت برگزیده و خلعت خاص، کمر و کلاه طلا را به وی اعطا می کند. (عالمی، ۱۳۹۱: ۱۵۴)

شاه، همچنین محمود را به لقب ملک التجار و همچنین وکیل السلطنه می آراید. (فرشته، ۱۳۰۱: ۳۲۹) محمود گاوآن در دیوانسالاری بهمنیان به اصلاحاتی گسترده دست زد. محمود گاوآن برای راحت تر اداره کردن کشور و جلوگیری از قدرت های حاکمان ولایتها، قلمرو بهمنیان را به هشت قسمت تقسیم کرد. و برای هر منطقه ای حاکمی انتخاب کرد. محمود گاوآن افزون بر انجام اصلاحات در امور اداری، نظامی با اندازه گیری زمین به مشخص کردن مرزهای شهرها و روستاها پرداخت. این طرح، تخمین درآمدهای حاصل از شهرها و روستاها را آسان تر می کرد. این به سود طبقه کشاورز بود. زیرا امکان سودجویی اشراف از بین می رفت و با مهار کردن قدرت اشراف، موقعیت حکومت مرکزی را مستحکم می کرد. خواجه محمود که در واقع تاجری برگزیده و آگاه از مسایل عصر بود

## ۱۱۶۲ // دو فصلنامه مطالعات تمدنی / سال هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ شماره پنجاه و پنجم

. توانست با ایجاد روابط تجاری با خلیج فارس و اقیانوس هند، در شکوفایی اقتصادی دکن و جنوب ایران نقشی مهم ایفاء کند. به گونه ای که در دوره هیچ یک از پادشاهان بهمنی چنان صروتی در خزانه جمع نشده بود. روابط تجاری خواجه از مرزهای ایران فراتر رفته بود. و کارگزاران تجاری خود را هر سال با کالاهای هندی به بروسه فرستاد. و در سال ۱۴۸۱ م. برخی از این افراد به بخارا رفته بودند. تا به داد و ستد پارچه و دیگر کالاهای هند پردازند. (صادقی علوی، ۱۳۸۸: ۳۱)

به هر روی، از نکات قابل توجه دوره همایون شاه اینکه، شاه حبیب الله (از خاندان شاه نعمت الله) به دلیل همکاری در شورش حسن خان به قتل رسید. با این همه نفوذ سادات و تشیع از بین نرفت. زیرا علی رغم حضور خاندان شاه نعمت الله ولی در دکن، برخی مریدان نیز به این منطقه مهاجرت کردند. چنانکه شیخ اذری (یکی از مریدان شاه نعمت الله ولی) در بیدر حضور یافت و فعالیت های فرهنگی وی منجر به رشد و تقویت زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در قلمرو بهمنیان گردید.

### محمود شاه بن محمد سوم (۹۲۴-۵۸۸۷ ق. ه. ق.)

پس از محمد سوم، فرزندش محمود در دوازده سالگی بر تخت نشست. وی سی و هفت سال حکومت کرد و دوره حکومت او از همه سلاطین بهمنی طولانی تر بود. لیکن در همه این دوره اصلی ترین مشغله سلاطین و اطرافیان او اختلاف میان امرا و سرداران بهمنی از نژادها و ملیت های مختلف همچون حبشی، هندی، ترک، گرجی، چرکسی و قلمان بود. که این افراد بویژه ترکان توانستند به مناصب بسیار بالا ارتقاء یابند. (فرشته، ۱۳۰۱: ۴۷۱-۴۶۹) سلطان محمود شاه با آنکه بر مذهب تسنن بود. ولی تمایلات شیعی از خود نشان می داد وی در گرفتاری ها و مشکلات از نام "علی (ع)" مدد می جست. این امر در شعری که از وی بر جای مانده، آشکار است. محمود شاه چنین سروده است:

در بحر غم افتادم و امواج بی عدد تا چند دسته و پا بزخم یا علی مدد (فرشته، ۱۳۰۱: ۵۰۴)

ارسال رسول و هدایای گرانها، از جمله تاجی که دارای نشانه های مذهب اثنی عشری بود از جانب شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۲۱ ه. ق برای این سلطان بهمنی نشانه اهمیتی است که وی به سادات و شیعیان قلمرو خویش می داد. شاید شاه اسماعیل با ارسال چنین هدایایی قصد داشت. سلطان دکن را به مذهب متبوع خویش دعوت نماید. (معصومی، ۱۳۸۱: ۱۵۵) هر چند که محمود شاه به شور کامل در دستان وزیر خویش امیر برید که یک سنی متعصب به شمار می رفت گرفتار و اسیر بود و ظاهراً از بیم او توجه چندانی به هدایای سلطان صفوی نکرد. (معصومی، ۱۳۸۷: ۱۷۰)

## نگار و پادشاهان بهمنی در گسترش فرهنگ و ادب ایرانی... ۶۳۱۱۱

همچنین رساله ای در طب توسط پزشک هندو به زبان سانسکریت تالیف گردید. و در دوره وی تحت عنوان طب محمود شاهی به زبان فارسی ترجمه شد. (عالمی، ۱۳۹۳: ۲۶۸-۲۶۷) در دوره محمود شاه به دلیل علاقه او به موسیقی و ساز و آواز، گروه فراوانی از نوازندگان و آواز خوانان از عراق و خراسان و لاهور و دهلی روانه دربار شدند. و مردم نیز به پیروی از سلطان و به مقتضای الناس علی دین ملوکهم توجه فراوانی به موسیقی و آواز نشان دادند. (فرشته، ۱۳۰۱: ۴۸۴) سرانجام حکومت بهمنی پس از ۱۸۰ سال (۹۳۴-۷۴۸ ه. ق.) با کشته شدن کلیم الله به پایان رسید.

گسترش زبان فارسی با تاکید بر نقش گرایشات شیعی سلاطین بهمنی حضور علمای اهل تسنن و همراهی آنان با سلاطین بهمنی به هنگام تاج گذاری آنان، دوره ای از حکومت بهمنیان را تحت تأثیر قرار داد. علاءالدین حسن نخستین سلطان بهمنی تحت تسلط معنوی علمای مذهبی قرار داشت ارتباط وی با دو صوفی بزرگ شیخ محمد سراج جنیدی و نظام الدین اولیاء و پیشگویی سلطنت وی از سوی آنان، پایه و اساس اعتقادات مذهبی دوره ملوک بهمنی را شکل داد. این امر منجر به ظهور موقعیت ویژه صوفیان در دوره علاءالدین حسن و جانشینانش گردید. تمایلات سنی گرایانه صوفیان در دوره تأسیس و تثبیت و سپس حضور صوفیان و علمای شیعی مذهب در سال های پس از آن، روند تمایلات مذهبی را از تسنن به تشیع تغییر داد. بهمنیان از آغاز کار گرایش های شیعی داشتند. (عالمی، ۱۳۹۳: ۲۳۴) از جمله علاءالدین حسن اولین سلطان بهمنی «به مناسبت تاج گذاری خود چهارصد لیره طلا، هزار لیره نقره صدقه داد» او این صدقات را به نام نظام الدین اولیاء که همان طور که قبلاً ذکر شد از دولت حسن خبر داده بود بذل شد. (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۱۹)

در میان نسل ایرانی مهاجر به هند، عده ای از عرفای شیعه نیز وجود داشتند که به علت حسن خلق و کرامات معنوی، در شیعه کردن مردم و امرا موفقیت های زیادی کسب کردند. پادشاهان بهمنی به خصوص فیروز شاه، علاءالدین حسن و محمد شاه به رغم تلاش در اجتناب از تحریک اکثریت سنی مذهب، به اشکال گوناگون ارادت خود را به اهل بیت و مذهب تشیع ابراز می کردند. (قائدان، ۱۳۸۴: ۱۳)

یک سال پس از درگذشت علاءالدین حسن بهمنی در سال ۷۶۰ ق، همسر او که والده محمد شاه (۷۷۶-۷۵۹ ق) محسوب می شد، عزم سفر مکه کرد. در این سفر، محمد شاه همه نقود خزانه خود را همراه مادر روانه اماکن شریفه کرد. اقامت والده محمد شاه در مدینه یک سال طول کشید او بیشتر

اوقات به بقیع می‌رفت و به زیارت فاطمه زهرا مشغول می‌شد. روزی از صدر شریف پرسید: قبر سیدالشهدا امام حسین (ع) کجاست؟ در پی این سؤال صدر الشریف تلاش فراوانی کرد تا ملکه جهان و سایر زائران را نسبت به مصایبی که بر امام حسین و خاندان وی به دست سپاهیان یزید رفته است، آگاه سازد. به طوری که ملکه جهان تحت تأثیر سخنان وی قصد داشت به زیارت حرم امام حسین (ع) در کربلا رود اما به واسطه یک رؤیا از این امر منصرف شد. وی سپس یکی از افراد معتبر خود را با اموال و اسباب فراوان به سوی بغداد فرستاد تا با نام علی (ع) و حضرت زهرا و فرزندان وی، خیرات نماید و بقیه اموال را در میان سادات و زائران و خادمان تقسیم نماید. (نجاتی، ۱۳۹۵: ۱۸۵) حتی در منابع به این مسئله اشاره شده که ملکه جهان در همین سفر چهار هزار دختر و پسر شیعی سادات مدینه را به عقد ازدواج یکدیگر درآورد و هزینه عروسی آنان را پرداخت کرد. (افراسیابی، ۱۳۹۵: ۴۸)

این رویدادها بیانگر این موضوع هستند که اگرچه مذهب رسمی بهمنیان تسنن بود، اما تشیع راه خود را به قلوب آنان گشوده بود؛ به گونه‌ای که همسر علاءالدین حسن در اعتقاد بسیار به تشیع نزدیک شده بود او نزد محمد شاه از حرمت و احترام بسیاری برخوردار بود چنانکه به رغم مخالفت شخصیت‌های لشکری و کشوری، خزانه مملکت را برای سفر مادر هزینه کرده، پس از بازگشت مادر دو ماه جشن و شادمانی برپا کرد. همه این شواهد از نفوذ تشیع در دربار بهمنیان از همان سال‌های آغازین حکایت می‌کند. (نجاتی، ۱۳۹۵: ۱۶۸)

در زمان محمد شاه اول مسجد بزرگ گلبرگه بنا گردید، بالای محراب آن مسجد اسامی پنج تن، کنده کاری شده و زیر آن اسامی خلفای چهارگانه، که رجحانات شیعی بین شاهان بهمنی از همان ابتدا ثابت می‌کند اگرچه که شاه و مردم پیرو مذهب حنفی بوده‌اند و شاهان بعدی شیعه شدند. محمد شاه در اواخر حکومتش پسرش امیر مجاهد را نزد شیخ محمد سراج‌الدین فرستاد تا خمس غنایمی را که از یکی از جنگ‌های مهم به دست آورده بود، بین سادات و مردان خدا تقسیم کند. (زین العابدین، ۱۳۹۳: ۱۴۵)

سلاطین این سلسله علی‌رغم اعتقاد به تسنن در سراسر دوره حکومت خویش به سادات و شیعیان توجه ویژه‌ای نشان دادند و تلاش فراوانی جهت برقراری روابط بیشتر با این گروه و دعوت از آنان برای مهاجرت به دکن به عمل آوردند. روابط گسترده‌ای که میان دکن و شیعیان و سادات مدینه، مکه، نجف و کربلا وجود داشت و توجهی که سلاطین بهمنی به بهبود اوضاع اقتصادی و سیاسی

## عکرد پادشاهان بهمنی در کترش فرهنگ و ادب ایرانی... ۶۵۱۱۱

این گروه مبدول می کردند و نیز اشعاری که توسط برخی از این سلاطین مبنی بر یاری جستن از علی (ع) در سختی‌ها نقل گردیده است، برخی محققان را بر آن داشته که اظهار دارند، بهمنیان علی‌رغم اعتقاد به تسنن، قائل به تفضیل (برتری دادن علی (ع) بر سه خلیفه نخست علی‌رغم اعتقاد به خلافت آنان) بودند. وجود نام علی، فاطمه، حسن و حسین در کنار اسامی ابوبکر، عمر و عثمان در کتیبه برخی بناهای این دوره و نیز سیاست‌های این پادشاهان در حمایت از شیعیان، صحت نظریه فوق را قوت می‌بخشد. (صادقی علوی، ۱۳۸۸: ۱۰۹)

حمایت احمد شاه از عالمان، صوفیان، شاعران، دولتمردان و سربازان ایرانی در دکن به شیعیان مجال تحکیم موقعیت خود را داد. (ضابط، ۱۳۷۷: ۹۲)

در دوره احمد اول توجه به سادات و شیعیان بیشتر شد و این فرصت برای گیسو دراز که در دوره فیروز شاه وارد دکن شده بود و تمایلات شیعی داشت فراهم کرد تا بتواند شاه را تحت تأثیر اندیشه‌های شیعی قرار داده و به تشیع متمایل کند. (آقامیری، ۱۳۹۱: ۵۸۱) هر چند که برخی محققان اعتقاد به تسنن احمد شاه دارند ولی دلایلی هم برای تشیع او وجود دارد از جمله تزئینات و کتیبه‌هایی مقبره احمد شاه است این کتیبه‌ها ضمن صلوات بر پیامبر، حاوی نام فاطمه و امامان دوازده‌گانه شیعیان است و علی‌رغم بناهای دیگر در این دوره، در آن هیچ اشاره‌ای به سه خلیفه نخست نگردیده حتی در دو کتیبه دیگر هم که به نام شاه نعمت‌الله ولی اشاره شده اثری از نامه‌ای خلفای راشدین نیست که این مسئله در مقبره یک سنی مذهب قابل ملاحظه و نامعمول است. (اطهر رضوی، ۱۳۸۰: ۴۰۸-۴۰۷)

بسیاری از نزدیکان و ملازمان احمد اول شیعه بودند، معروف‌ترین این افراد شیخ آذری شاعر مشهور ایرانی است که آثار و اشعار او و نیز رابطه‌اش با خاندان شاه نعمت‌الله نشانه تشیع وی است. وی ملک‌الشعرا دربار احمد اول و از مقربان درگاه او بود. رابطه صمیمی احمد با این افراد و حمایت بی‌دریغ از آنان و نیز به کارگیری آنان در مناصب مختلفی نشانه تشیع وی است؛ (معصومی، ۱۳۸۴: ۱۶۶) و دیگر اینکه همان‌طور که پیشتر بیان شد سلاطین بهمنی از طرفداران شیخ جنید سنی مذهب بودند ولی احمد شاه تحت تأثیر خانواده گیسو دراز که شیعه بودند قرار گرفت و توسط آنها به مذهب تشیع گرایش پیدا کرد. ولی از نظر احمد شاه معتقدات مذهبی امری فردی بود و از این رو وی با هوشمندی از سختگیری درباره مذهب اتباع خویش خودداری می‌کرد. (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۱۷)

### نتیجه گیری

با تشکیل حکومت بهمنی که خود را از تبار ایرانیان می دانستند روند مهاجرت ها افزایش یافت زیرا پادشاهان بهمنی از این مهاجرین به گرمی استقبال می کردند؛ به نظر می رسد این حکومت نوپا برای توانمندسازی پایه های حکومتش به نیروهایی غیربومی نیاز داشت که این مسئله فرصت مناسبی را برای تازه واردان دکن مهیا ساخت تا بتوانند در همه ارکان حکومتی بهمنیان نفوذ کرده و قدرت سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی را به دست بگیرند و پایه های حکومت های شیعی را بنیان نهند. این افراد زمینه های گسترش و نفوذ تشیع را در دکن فراهم کردند. زبان فارسی نیز که زبان اداری این سلسله محسوب می شد در همه زمینه ها مورد استفاده قرار گرفت و علما و دانشمندان کتاب های بسیاری به زبان فارسی نگاشتند و باعث رشد و شکوفایی فرهنگ فارسی شدند البته در این میان صوفیان و بومیان هند نقش عمده ای بر عهده داشتند؛ تعالیم صوفیانه و فعالیت های صوفیان منجر به ترویج زبان فارسی شد و بومیان تحت تأثیر این فرهنگ قرار گرفته و زمینه های ارتقاء آن را به وجود آوردند. یکی از مهم ترین نتایج حضور و نقش شیعیان در سیاست دکن تأثیرات اجتماعی و فرهنگی آنها بود آنان به عنوان مبلغان فرهنگی با ایجاد مؤسسات آموزشی و با استفاده از حضور عالمان فضای مناسبی را برای حمایت های ادبی به وجود آوردند تألیفات ارزشمندی که در این دوره به رشته تحریر درآمدند زبان فارسی را به اوج رساندند و رشد و شکوفایی فرهنگ ایرانی- اسلامی را رقم زدند و زبان فارسی علاوه بر این که زبان رسمی و اداری به شمار می رفت عامه مردم نیز در مکالمات روزمره خود به فارسی سخن می گفتند و نشانه بزرگی و افتخار به شمار می رفت. همچنین این زبان مورد علاقه سلاطین مسلمان نیز بود و علم دوستی و ادب پروری آنان، دربارشان را به محل تجمع دانشمندان و ادیبان تبدیل کرد. قرن ۱۰ و ۱۱ دوران شکوفایی زبان و ادب فارسی در دکن به شمار می رود. نفوذ زبان فارسی و حضور تعداد زیادی از ایرانیان در دربار پادشاه قطب شاهی باعث شد تعداد زیادی از منابع این دوره به زبان فارسی نوشته شوند و حضور این افراد در گلکنده و حیدرآباد را به مراکز فعال زبان فارسی تبدیل کرد. به نظر می رسد ایرانیان و شیعیان مهاجر در سرزمین جدید و در شرایط پس از مهاجرت توانستند به خوبی خود را با شرایط تطبیق دادند آنها توانستند در حوزه های فرهنگی، ادبی، علمی و با توانمندی های خاص خود در زمینه تجارت نقش ویژه ای را در منطقه دکن عهده دار شوند.

عکگرد پادشاهان بهمنی در گسترش فرهنگ و ادب ایرانی... ۶۷۱۱۱

### کتابشناسی

- آقامیری، زهرا. (۱۳۹۱). **علل و عوامل رسمیت یافتن تشیع در بیجاپور**، مزدک نامه ۵  
احمد، عزیز. (۱۳۶۶). **تاریخ تفکر اسلامی در هند**، ترجمه نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران،  
کیهان
- استانلی، لین پل. (۱۳۶۳). **طبقات سلاطین اسلام همراه با جداول تاریخی و نسب ایشان**، ترجمه  
عباس اقبال، چاپ دوم، تهران، دنیای کتاب
- اطهر رضوی، سید عباس. (۱۳۷۶). **شیعه در هند ۱**، جلد اول، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی،  
مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- اطهر رضوی، سید عباس. (۱۳۸۰). **تاریخ تصوف در هند**، جلد اول، ترجمه منصور معتمدی، تهران،  
مرکز نشر دانشگاهی
- افراسیابی، علی اکبر. (۱۳۹۵). **نقش شیعیان ایرانی در پیدایش حکومت‌های شیعی هند**، اطلاعات  
حکمت و معرفت، سال یازدهم، شماره ۱۰
- خالدی، عمر. (۱۳۸۳). **نگاهی به فرهنگ شیعیان دکن**، مترجم محمد مهدی توسلی، گزارش  
گفت‌وگو، شماره ۱۳
- ر. موداک، مانورما. (۱۳۴۵). **سرزمین و مردم هند**، ترجمه فریدون گرگانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر  
کتاب
- رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۷۶). **تاریخچه زبان و ادبیات فارسی در جنوب هند (دکن)**، فصلنامه آشنا،  
شماره ۳۵
- زین العابدین، محمد. (۱۳۹۳). **دولت‌های شیعی در شبه قاره از آغاز تا حضور کمپانی هند  
شرقی**، دو فصل نامه علمی - تخصصی مطالعات تاریخی امت اسلامی، سال اول، شماره ۱
- صادقی علوی، محمود. (۱۳۸۸). **نقش ایرانیان در گسترش حکومت بهمنیان**، تاریخ روابط خارجی،  
شماره ۴۱
- صادقی علوی، محمود. (۱۳۹۱). **تاریخ اجتماعی شیعیان دکن در قرن ۱۰ و ۱۱ هجری**، استاد  
راهنما
- صادقی علوی، محمود، بهار. (۱۳۹۳). **گسترش تشیع در دکن در سده‌های دهم و یازدهم  
هجری**، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه تاریخ اسلام، سال چهارم، شماره ۱۳

## ۱۶۸ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ شماره پنجاه و پنجم

صدیقی، محمد سلیمان، مدیر شانه‌چی، محسن. (۱۳۶۹). **پیدایش سلسله چشتی در دکن، کیهان اندیشه**، شماره ۳۱

ضابط، حیدر رضا. (۱۳۷۷). **تشیع در شبه قاره هند (۱)**، ادیان و مکاتب: پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۱۲

طباطبایا، سید علی. (۱۹۳۶). **برهان مآثر**، دهلی

عالمی، خدیجه. (۱۳۹۱). **محمود گاوون وزیر گمنام شیعی در دکن**، شیعه پژوهی، شماره ۳۸

عالمی، خدیجه. (۱۳۹۱). **ملوک بهمنی و جایگاه تشیع در دکن**، شیعه شناسی، سال دهم، شماره ۳۹  
عصامی، عبدالملک. (۱۹۴۸). **فتوح السلاطین**، دانشگاه مدرس

عقیل، معین‌الدین. (۱۳۹۱). **ایران و حکومت بهمنیان در دکن**، ترجمه، شاهد چوهدری و علی محمد طرفداری، مجله رشد آموزش تاریخ، دوره چهاردهم، شماره ۱

فراهانی منفرد، مهدی. (۱۳۸۲). **ایرانیان در دکن مروری بر حضور ایرانیان و نفوذ زبان فارسی در حکومت بهمنیان**، نامه انجمن، شماره ۱۱

قادری، سید محی‌الدین. (۱۳۸۶). **میر محمد مؤمن استرآبادی مروج تشیع در جنوب هند**، ترجمه علی جاروی، قم، نشر مورخ

قائدان، اصغر. (۱۳۸۴). **پیدایش و گسترش آیین تشیع در هند با تأکید بر نقش ایرانیان**، فصلنامه منطقه‌ای؛ جهان اسلام، سال ششم، شماره ۲۳

لطفی، نقی. (۱۳۶۱). **فرق شیعه در شبه قاره هند، ادبیات و زبان‌ها**، جستارهای ادبی، شماره‌های ۵۷ و ۵۸

محمدی، حسین، نقیبی، ذره. (۱۳۹۷). **نقش میرمحمد مؤمن استرآبادی در گسترش فرهنگ ایرانی - شیعی در دکن**، شیعه شناسی، سال شانزدهم، شماره ۶۳

معاشری، مرضیه. (۱۳۹۶). **نقش بهمنیان در ترویج تشیع در جنوب هند**، استاد راهنما محمد باغستانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته الهیات گرایش تاریخ تشیع، دانشگاه پیام نور مرکز مشهد  
معصومی، محسن. (۱۳۸۴). **نخستین نشانه‌های ظهور تشیع در دکن**، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، شماره ۵۳

معصومی، محسن. (۱۳۸۷). **عناصر قومی تشکیل دهنده جامعه دکن در دوره بهمنیان و چگونگی تعامل آن‌ها با یکدیگر**، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، شماره ۵۳



عکرد پادشاهان بهمنی در گسترش فرهنگ و ادب ایرانی... ۶۹۱۱۱

معصومی، محسن. (۱۳۸۹). **فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی دکن در دوره بهمنیان**، تهران، انتشارات علمی فرهنگی

نجاتی حسینی، راضیه. (۱۳۹۵). **نقش علمای شیعه در گسترش تشیع در هند پس از حمله مغول تا پایان دوره صفویه**، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی

هالیستر، جان نورمن. (۱۳۷۳). **تشیع در هند**، ترجمه آرمیدخت مشایخ فریدونی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی

هندوشاه استرآبادی، محمد بن قاسم. (۱۳۰۱ ق). **تاریخ فرشته**، جلد دوم، چاپ سنگی، بی جا  
یاری، سیاوش. (۱۳۸۸). **تاریخ اسلام در هند**، از آغاز تا قرن پنجم هجری قمری، قم، نشر ادیان